

# نسخه نمایشی (ش.ش / رسا.ش)

نسخه نمایشی (ش.ش / رسا.ش) هر گونه افزار و شیوه بیانی است به شرط آنکه به وسیله نمایش باشد. مانند تاتر، فیلم سینمایی، مستند و امثال آن.

مثلاً بیان اینکه یک نفر چگونه علی رغم اینکه خود زخمی دزدیده شدن مالش است دزدی میکند و با تمام وجود دزد را مذمت میکند، در فیلم سینمایی **دوچرخه دزد ها یا دزد دوچرخه، نمایشی شده است:**

“کارگر بی‌کاری به نام «آنتونیو» (ماجورانی) سرانجام به‌عنوان اعلان‌چسبان استخدام می‌شود. وی مجبور است برای اینکه در این شغل تایید شود، دوچرخه‌ای را به همراه داشته باشد تا بوسیله آن پوسترها در سطح شهر نصب نماید. از اینرو با توجه به تهی‌دستی خانواده‌اش، با پول ملحفه‌های تخت خواب خانه که می‌فروشد و دوچرخه قدیمی خود را که گرو بانک است، آزاد می‌کن و سر کار می‌رود. اما پس از چند روز کار، دزدی دوچرخه آنتونیو را در هنگام کار کردن وی می‌دزد و آنتونیو مجبور است برای اینکه شغلش را از دست ندهد، هرچه سریعتر دوچرخه‌اش را پیدا کند. از اینرو از روز بعد از دزدیده‌شدن دوچرخه، با کمک پسر کوچک و دوستانش، به امید یافتن دوچرخه در شهر جستجو می‌کنند. پس از چند ساعت آنتونیو دزد دوچرخه را در خیابانی می‌بیند و به دنبال او می‌افتد؛ ولی دزد از دست او فرار می‌کند. پس از آن، او همه‌جا رد او را می‌گیرد و در نهایت موفق به به‌دام‌انداختن وی در محله او می‌شود. ولی وقتی پلیس را خبر می‌کند، با توجه به اینکه همه افراد آن محل از دزد دفاع می‌کنند و پلیس موفق به پیدا کردن دوچرخه نمی‌شود، آنتونیو با بی‌احترامی مجبور به ترک آنجا می‌شود. مدتی بعد، آنتونیو یک دوچرخه که کنار خیابان پارک شده می‌بیند؛ ما در فکریم که او می‌خواهد چکار کند. وی ابتدا پسر خود را با اتوبوس به محل دیگر می‌فرستد؛ ولی پسر کمی دورتر می‌ایستد و او را تماشا می‌کند؛ و جلوی چشم او، آنتونیو آن دوچرخه را سرقت می‌کند! گویی این آخرین انتخاب او بوده؛ ولی سپس با بدشانسی فراوان توسط عده زیادی از مردم به دام انداخته می‌شود. آن‌ها وقتی پسر کوچک او

را می‌بینند، پلیس را خبر نمی‌کنند و او را رها یکنند؛ در حالی که برای اولین بار در فیلم اشک می‌ریزد. پدر دست پسر را می‌گیرد، و هردو با هم در خیابان به راه می‌افتند." منبع

بیان "نحوه تعامل افراد کم سواد یا نا آشنا با پدیده ای تازه (اتوبوس، تلویزیون و...) یا یک اندیشه جدید" در فیلم هایی نظیر اتوبوس، کت سفید، پدرسالار و...

بیان "بی فایده‌گی آه و آرزوی اینکه جای دیگری باشیم و توصیه به اینکه هر جا هستی خوب باش و به دیگران محبت کن" در فیلم افسانه ی آه.

توضیح روان شناختی "چگونگی عملکرد عقده در تولید بزه و جنایت در ساختار گناه و مکافات" در قالب داستان فیلم؛ در فیلم روانی (Psycho)

توضیح ابعاد خطر آفرین قدرت خلاقه ی انسان از راه تحقق تصورات در عالم خارج بوسیله اختراعات، در داستان فیلم کره .

توصیف و توصیه به اینکه سانسور در سینما بی معنا است (نسخه ی شیطانی) در داستان فیلم سینما پارادیزو .

توصیف یک فرد نابغه با ذهن و روانگسیخته و توصیه به راهکاری برای کنار آمدن با آن در داستان فیلم ذهن زیبا.

توصیف یک فرد پاک و ناخودخواه و اما عاشق خدواند و روایی ملاقات غیر معصوم با روح القدس (نسخه نادرست) در داستان فیلم آوای برنادت.

توصیف امکان پاک شدن انسان در پرتو عشق و ایثار در فیلمهای بسیار از جمله فیلم اخراجی ها.

توصیف و توصیه به راه انسان شدن و اشاره به روحانی مطلوب برای جامعه

## در داستان فیلم طلا و مس و زیر نور ماه .

طلا و مس: آسید رضا (بهروز شعبی)، روحانی جوانی است که به همراه همسرش - زهرا سادات (نگار جواهریان) - و دو فرزند خردسالش به تهران می آید تا در یک کلاس اخلاق شرکت کند. آن دو می خواهند زندگی آرام و ساده شان را با تمام مشکلات موجود در تهران آغاز کنند که بیماری زهرا سادات شدت می گیرد و سیدرضا ناگزیر به بستری کردن او در بیمارستان می شود. زهرا سادات به بیماری ام.اس مبتلا شده است؛ اما این تنها مشکل سیدرضا نیست. او باید از این پس هم به کارهای تحصیلش در حوزه پردازد و هم این که کارهای خانه را بر عهده بگیرد.

او با نزدیک شدن به دو فرزندش و نیز با هر زحمتی که هست، خود را به شرایط موجود عادت می دهد. سیدرضا برای تأمین هزینه های زندگی ناگزیر می شود که حتی به قالی بافی نیز روی بیاورد. زهرا سادات پس از اندکی بهبودی به خانه باز می گردد. اما دیگر توان ایستادن روی پاهایش را ندارد. همین موضوع زهراسادات را تا مرز فروپاشی ذهنی پیش می برد؛ به طوری که کشمکش ها و جدال هایی میان او و سیدرضا پیش می آید. حتی زهرا سادات پیشنهاد می کند که سیدرضا زن دوم اختیار کند. اما در پایان سیدرضا نمی پذیرد و بودن در کنار زهراسادات را ترجیح می دهد؛ این در حالی است که چشمان سیدرضا در اثر فشار کار مداوم روز به روز ضعیف تر می شود. اما او کماکان به آینده زندگی ساده اش امیدوار است.

زیر نور ماه: داستان این فیلم درباره طلبه ای به نام سید حسن است که معتقد است چون مانند پدر بزرگش میان مردم نیست و نفسش تاثیری ندارد نمی تواند لباس روحانیت را بپوشد و تنها برای دلخوشی خانواده اش چنین می کند. روزی که لباس روحانیت را می خرد در مترو پسری لباس او را می دزدد. جستجوی او برای لباس موجب آشنایی او با بی خانمانان زیر پل رسالت می شود. او سرانجام همه کتابهایش را می فروشد تا بتواند به آنها کمک کند. خواهر آن کودک نیز یک زن خیابانی است که اقدام به خودکشی می کند. سید حسن او را به بیمارستان می رساند. روزی که طلاب از دست استادشان ملبس می شوند سیدحسن لباس روحانیت را از زن خیابانی پس می گیرد.